

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه بیست و سوم دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۲۹۲ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۰/۰۶/۱۵



- مؤمن درخت همیشه بهاری است
- لزوم بهسازی دائمی اعمال
- قواعد کمک کننده به کیفیت بخشی اعمال صالح
- مؤمن به هر حال برای عملش حجتی دارد
- گناه، جرقه آتشی در بوستان اعمال صالح
- نیت در آینه آیات
- نیت در آینه روایات
- شاخص اخلاص
- محکم کاری در سیره نبوی
- درس هایی از سیره نبوی در زمینه محکم کاری

عمل صالح به بار بنشانند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمجد

## مؤمن درخت همیشه بهاری است

وجود انسان مؤمن به منزله شجره طیبه است که میوه اش عمل صالح است: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»<sup>۱</sup> مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است». منتها درخت همیشه بهاری است که همیشه میوه می دهد؛ نه اینکه فقط در فصل بهار میوه دهد و در فصل دیگر، برگریزان شود و در زمستان به خواب رود. درخت پاکی که قرآن کریم برای کلمه طیبه مثال می زند، همیشه میوه می دهد، وجود انسان مؤمن نیز این گونه است. از خدای متعال توفیق انجام اعمال صالح را تمنا کنیم و برنامه ریزی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ وَانْتَه بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ».

بحث امروز درباره قواعد عمل صالح است. در جلسه قبل معلوم شد در فرهنگ اسلامی و سپهر معارف الهی، عمل دارای جایگاه بسیار بالا و فراز مندی است. ادله ای از قرآن کریم و روایات یادآوری کردیم. خلاصه مسئله این شد که انسان باید از تمام ظرفیت جسمی، روانی و روحی اش برای عمل استفاده کند. خوش به حال کسی که فرآورده های وجودی او در نهایت عمل صالح است؛ آن هم فراوان و متنوع در همه ساحت های زندگی. عمر و وقت و توان و انرژی اش همه صرف می شود برای اینکه

۱. ابراهیم: ۲۴.

## لزوم بهسازی دائمی اعمال

مؤمن علاوه بر اینکه دائم مشغول عمل صالح است، همواره در حال کیفیت‌بخشی به اعمال صالحش نیز هست. هر عمل صالحی که در ساحت عبادی فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی انجام می‌دهد، یک اتفاق دیگر هم در کنارش می‌افتد و آن اینکه دائم در حال کیفیت‌بخشی به عمل صالحش است. امروز می‌خواهیم مقداری در این باره صحبت کنیم.

### قواعد کمک‌کننده به

### کیفیت‌بخشی اعمال صالح

#### ۱. تقوا

تقوا یعنی هماهنگی؛ یعنی عمل انسان مطابق با قاعده تقوا باشد. مؤمن همواره درصدد هماهنگ‌سازی بیشتر اعمالش با رضا و نقشه الهی است. توجهش به این است که

ما در زندگی به این سمت باشد که هیچ عاملی ما را در انجام عمل صالح دلسرد نکند و باعث نشود در این زمینه کم بگذاریم. برای انسان مؤمنی که متوجه شده طرف او خداوند تبارک و تعالی است، هیچ اهمیتی ندارد که دیگران کار او را ببینند یا نبینند، قدر بدانند یا ندانند، پاداش بدهند یا ندهند. چون به حساب حضرت حق تبارک و تعالی می‌گذارد و چشمش به اجر کریم و اجر عظیم وعده‌داده‌شده توسط خدای متعال است، هیچ چیز دشوار و سختی و امتحانی، او را از این مهم باز نمی‌دارد.

این خلاصه بحث جلسه گذشته ما بود که هم آیاتی از قرآن کریم و هم روایاتش تقدیم شد.

نقطه مقابلش هم محرّمات و مکروهات است؛ آنجایی که خدای متعال هیچ نمی‌پسندد، می‌شود محرّمات. وقتی مقدار درجه ناپسند بودنش نزد خدای متعال پایین‌تر می‌آید، می‌شود مکروهات. محرّمات و مکروهات نیز دارای درجات و مراتبی است که فعلاً محل بحث ما نیستند و صحبت‌های ما راجع به عمل صالح است که یا واجب هستند یا مستحب. مثلاً در زمان ما از نظر فقها، نماز جمعه مستحب است؛ اگرچه خودش واجب تخییری است که شما انتخاب کنید در روز جمعه نماز ظهرتان را بخوانید یا در نماز جمعه شرکت کنید. آنچه بسیار تأکید می‌شود و فضیلت دارد، به تعبیر خودمان مستحب مؤکد است، تا جایی که نزدیک می‌شود به واجب، نماز جمعه است. واجب تخییری است، اما اینکه نماز ظهرت را بخوانی، کجا؛ اینکه در نماز جمعه شرکت کنی، کجا؟

خداوند تبارک و تعالی این عمل را چگونه از من خواسته است. اولاً توجه دارد که خدای متعال، عمل مطلوب یا همان عمل صالح را از من خواسته. دوم اینکه عمل را با چه کیفیتی از من خواسته؛ باید هایش کجا است؛ نباید هایش کجا است؛ مرز هایش کجا است. این می‌شود نقشه الهی در زندگی انسان مؤمن که گاهی تعبیر به سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی توحیدی یا سبک زندگی ایمانی می‌شود. اهتمام مؤمن هماهنگی بین عمل و نقشه رضای الهی و مطلوب پروردگار متعال است. اعمال، گاهی به سمت وجوب می‌رود و گاهی به سمت استحباب. خود وجوب و استحباب نیز درجاتی دارد. مطابق با مطلوبیتش و اینکه چقدر آن کار را خدای متعال می‌پسندد، به همان اندازه وجوب یا استحباب به آن تعلق می‌گیرد.

و براساس نظم دینی زیست کنند و اعمال صالحشان را طراحی کنند، و از آن طرف محرّمات، مکروهات، واجبات و مستحبات را بشناسند. خداوند تکلیفشان را معین کرده و آنان را بلا تکلیف گذاشته است. فضل پروردگار متعال شامل حال مؤمنان در عصر غیبت شده و آن‌هم ارجاع به نواب عام امام عصر (علیه‌السلام) و مسئله مرجعیت است که مؤمنان به مرجع تقلید اعلم زمان خود مراجعه می‌کنند و از طریق او برای اعمالشان حجت پیدا می‌کنند. مثلاً اگر به ما می‌گویند شرکت در انتخابات، واجب عقلی و شرعی است، حجت داریم. استدلال عقلی که دارد، از جهت شرعی نیز چون ولیّ امر و مرجع تقلید و دین‌شناس اعلم، به شما می‌گوید شرکت در انتخابات واجب است، شما حجت دارید و باید مثل نماز انجامش دهید. یا اگر جنگ بود و به

باز این تأکید مراتب دارد. گاهی مستحب مؤکدی است که به واجب پهلو می‌زند. چون منفعت انسان و مصلحت جامعه مؤمنان به اجتماع روز جمعه گره خورده است، لذا به آن، تأکید خاص تعلق می‌گیرد.

### مؤمن به هر حال برای عملش حجتی دارد

مؤمن برای حرکت در فلک بندگی، باید برای عملش حجت فراهم کند؛ یعنی توجه داشته باشد به امر الهی و فرمان خدای متعال؛ هم در اصل عمل، هم در کیفیتش. مؤمن طبق آنچه از طریق الهی و حجت خدا و امام (علیه‌السلام) به او رسیده، عمل می‌کند. در زمان ما که گرفتار مصیبت غیبت هستیم و به امام معصوم (علیه‌السلام) دسترسی نداریم، برای جامعه مؤمنان نیز حجت قرار داده شده تا اعمال و برنامه‌هایشان را طبق قواعد الهی هماهنگ کنند

انسان مبتلا به قرق‌شکنی شود، حوزه اعمال صالح او تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گاهی بخش عمده‌ای از عمل صالح انسان را به آتش می‌کشد و حبط می‌کند. از این جهت آن بخش خیلی حساس‌تر است که دائماً انسان مراقبت داشته باشد.

اگر بخواهم برای این موضوع سند قرآنی ذکر کنم، آیه ۱۰۹ سوره مبارکه توبه شنیدنی است: «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ؛

آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟». در این آیه کریمه دو مبنا بیان می‌شود: کسی که کلاً بنیان خود را بر تقوا استوار

شما گفتند شرکت در جنگ واجب است، انسان جانش را به میدان می‌برد و در جهاد شرکت می‌کند. پس انسان مؤمن برای اعمالش در جستجوی حجت است و از همین جهت هم می‌گوییم مؤمن اهل رساله است. از اول بلوغش حواسش به رساله است، مسائلش را یاد می‌گیرد و در بخش‌های مختلف حریم‌های شرعی را شناسایی می‌کند. اینکه گفتیم عمل صالح با تقوا است که عمل صالح می‌شود، به این معنا است که کاملاً طبق موازین شرعی هماهنگ شود.

### گناه، جرقه آتشی در بوستان اعمال صالح

نکته‌ای که یادآوری‌اش به نظرم خیلی لازم است، اینکه مؤمن در محور محرّمات، قُرُق نَگه می‌دارد و نزدیک محرّمات نمی‌شود که اسمش می‌شود ورع. اگر



بیشتر اهتمام داشته باش، تا به خود عمل». در جریان عملی که می‌خواهی انجام بدهی، مبتنی بودن عملت بر تقوا و نقشه الهی، برایت مهم‌تر باشد تا خود عمل. بعضی‌ها فقط می‌خواهند عمل انجام بدهند؛ ولی مؤمن طبق این فرمان نبوی، بیشتر سعی می‌کند عملش با خواسته الهی هماهنگ باشد. بعد حضرت فرمودند: «فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ بِالتَّقْوَى، وَ كَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يُتَّقَبَلُ؛ زیرا هیچ عملی که با تقوا توأم باشد، اندک نیست. چگونه اندک باشد عملی که پذیرفته می‌شود؟». هیچ عملی وقتی با تقوا و رضایت الهی هماهنگ باشد، کم نیست. به عبارت دیگر بین کمیت و کیفیت، کیفیت را ترجیح بده؛ هرچند به حسب ظاهر عمل اندکی باشد؛ زیرا به خاطر هماهنگی‌اش، نزد خدای متعال کثیر محسوب می‌شود. مگر می‌شود چیزی که در درگاه

می‌سازد، و کسی که بنیان اعمال و رفتار و اخلاق و زندگی‌اش را بر کنار دره جهنم می‌سازد. عادت عمومی مؤمن این است که بنیان خودش را در اخلاق و افکار و اعمال، در محیط تقوای الهی استوار می‌سازد.

در سوره مبارکه مائده هم در جریان مواجهه هابیل و قایل، از زبان جناب هابیل (سلام‌الله‌علیه) می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛<sup>۲</sup> خدا فقط از تقوای پیشگان می‌پذیرد. این گزاره بسیار محکم و استوار است که به صورت حصر بیان شده، نشان می‌دهد عمل مقبول عملی است که مبتنی بر تقوا باشد.

در روایت است که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ابوذر فرمودند: «يَا أَبَا ذَرٍّ، كُنْ لِلْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اِهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ»؛<sup>۳</sup> ای ابوذر! برای عمل، به تقوا

۲ . مائده: ۲۷.

۳ . متقی هندی، کنز العمال، حدیث

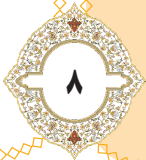
باشد. حضرت در ادامه فرمودند: بدان که هیچ کوشش و سخت‌کوشی با بی‌احتیاطی و بی‌ورعی سود نمی‌دهد. اگر بخواهید از فعالیت‌هایتان نتیجه بگیرید، حتماً باید آمیخته با ورع باشد. برای مثال روزه‌خوانی برای ابا عبدالله (علیه‌السلام) کار مستحبی است؛ اما باید با ورع همراه باشد و نباید به کسی آزار رساند؛ چون آزار دیگران حرام است. در ایام عزاداری ابا عبدالله (علیه‌السلام) خیلی اتفاق می‌افتد که راه را می‌بندند. گاهی هماهنگی صورت می‌گیرد که اشکالی ندارد. منظورم جایی است که بی‌هماهنگی انجام می‌شود. چه‌بسا کسی بیماری دارد و شما راهش را بسته‌اید؛ این حرام است. آیا می‌توان با حرام به ثواب آن مستحب رسید؟ یا مثال دیگرش اینکه بیست دقیقه قبل از اذان، بلندگوی مسجد شروع می‌کند به قرآن پخش کردن. حال آنکه مساجد فقط حق پخش اذان را دارند؛

الهی پذیرش شده، اندک باشد؟ در آخر حضرت فرمودند: «**إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**؛ خدا فقط از تقوایپیشگان می‌پذیرد».

شبهه این از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم روایت شده و امام صادق (علیه‌السلام) نیز در بیانی نورانی فرمودند: «**أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ الْوَرَعِ وَ الْجِهَادِ، وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ**؛<sup>۴</sup> تو را به تقوای الهی و پارسایی و سخت‌کوشی [در عبادت] سفارش می‌کنم و بدان که سخت‌کوشی در عبادت اگر با پارسایی همراه نباشد، سود نمی‌بخشد». ورع همان حریم گرفتن و اجتهاد کوشیدن و سخت‌کوشی است. اجتهاد در اینجا با اجتهادی که در باب فقهات می‌گوییم، تفاوت دارد. ما باید همه مجتهد باشیم؛ اصلاً مؤمن باید اهل اجتهاد باشد؛ یعنی سخت‌کوش

۴ . مائده: ۲۷.

۵ . شیخ مفید، امالی، ص ۱۹۴.



## ۲. اخلاص

اخلاص که گاهی در روایات از تعابیر تصفیه و صدق هم برایش استفاده می‌شود، یعنی صدق در عمل یا تصفیة العمل. تصفیه در همین معنایی که ما در فارسی به کار می‌بریم و می‌گوییم آب را تصفیه می‌کنند برای اینکه کیفیت پیدا کند تا برای نوشیدن شما آماده شود. درباره اعمال ما نیز همین قاعده برقرار است. اعمال ما باید خالص‌سازی شود. نقطه مقابل خالص‌سازی هم شائبه داشتن است. در حدیث جنود عقل و جهل آمده که اخلاص جزء لشکر عقل و اشوب یعنی ناخالصی، در لشکر جهل است.

اخلاص یا تصفیة العمل یا صدق در عمل، به انگیزه و ریشه عمل برمی‌گردد که همان نیت باشد. من از همین جلسه شما را ارجاع می‌دهم به بحث‌هایی که در باب نیت داشتیم. خلاصه الکلام

آن‌هم با صدای خوش و مناسب. پس در هر کاری، حتی کار واجب، باید مرزهای الهی را رعایت کنید؛ وگرنه چه‌بسا در دام کار حرامی می‌افتید. در چنین صورتی عمل شما به کارتان نمی‌آید. مثال‌هایش در زندگی فراوان است. بگذریم؛ قاعده اول شد تقوا، با همین توضیحی که عرض کردیم. یعنی عمل ما باید طبق قاعده و رضا و نقشه الهی باشد و برایش حجت داشته باشیم و مرزهای اعمالمان را مراقبت کنیم. ما کارهای خوب انجام می‌دهیم، ولی با کارهای بد و بدتر مخلوطش می‌کنیم و خرابش می‌کنیم. زحمت می‌کشیم، ولی چیزی کاسب نمی‌شویم.

باشد، عموم و خصوص مطلق هستند؛ یعنی می‌شود گفت یکی از شعبه‌های تقوا، اخلاص است. بخشی از هماهنگی عمل با رضای الهی، مربوط به ظاهر عمل می‌شود و بخشی هم به باطن عمل. بخشی که مربوط به ظاهر عمل است، بیشتر در بحث قبلی تأکید کردیم. حالا بخش مربوط به باطن عمل را به خاطر اهمیتش به یک قاعده مستقل تبدیل کردیم و جداگانه بررسی کردیم که عبارت است از اخلاص و تصفیه عمل و صدق در عمل. پس خالص‌سازی و صادق‌سازی و طاهرسازی عمل از هر ناخالصی غیرالهی، دستور کار دائمی انسان مؤمن است. البته با این ملاحظه که مؤمن توجه دارد که صاف و خالص و تمیز بودن نیت در انجام عمل - چه عمل واجب و چه عمل مستحب - از آغاز تا انجام و حتی بعد از عمل نیز باید برقرار باشد.

همان بحث‌هایی است که در باب نیت چندی پیش داشتیم. نیت، روح و حقیقت عمل است. یکی از مهم‌ترین مراقبات مؤمن، مراقبات در پیرایش انگیزه‌ها است. هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، علاوه بر وضعیت قلبی، وضعیت قلبی خودش را نسبت به آن عمل هماهنگ می‌کند. به لحاظ قلبی هم ملاحظه می‌کند که آیا انگیزه من از انجام این کار، امر و فرمان الهی و رسیدن به رضای پروردگار متعال است یا تأمین خاطر دیگران و به دست آوردن فلان پاداش؟ می‌توان گفت مهم‌ترین مراقبت انسان مؤمن در اعمال صالحش، تطبیق عمل با انگیزه توحیدی است تا کارش برای خدای متعال و صاف و تمیز و خالص باشد. هرچه عیار اخلاص بیشتر باشد، عمل قیمتی‌تر و به پذیرش پروردگار متعال نزدیک‌تر است. بحث اخلاص با بحث قبلی که تقوا

عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ؛<sup>۸</sup> و هیچ کاری نکنید مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم، آنگاه که بدان مبادرت می‌ورزید». درست از لحظه‌ای که انسان وارد عمل می‌شود، توجه داشته باشد که خدای متعال آن را می‌بیند و برای تأمین نگاه پروردگار متعال و خواست و رضای الهی انجامش دهد.

آیه دیگر باز در سوره مبارکه اسراء است: «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأُخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ؛<sup>۹</sup> پروردگارا مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز».

از شروع تا پایان عمل، در مقام صدق باشم و با خدای متعال صاف باشم. برای این مسئله هم انسان از خدا کمک می‌خواهد: «وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»<sup>۱۰</sup> و از جانب خود برای

۸ . یونس: ۶۱  
 ۹ . اسراء: ۸۰  
 ۱۰ . همان.

در روایات است که باقی ماندن در اخلاص و تصفیه و صدق در عمل، خیلی مهم‌تر از انجام دادن خود عمل است. گاهی انسان در حین عمل اخلاص دارد، ولی بعد از عمل اخلاصش آسیب می‌بیند.

### نیت در آینه آیات

چند آیه درباره نیت وارد شده که آیه مشهورش این است: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكَلْتِهِ؛<sup>۶</sup> بگو هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند». جزء مهم‌ترین آیات راجع به نیت است.<sup>۷</sup> یا آیه سوره مبارکه یونس (علیه‌السلام): «وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ

۶ . اسراء: ۸۴.

۷ . امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «نیت افضل از عمل است، اصلاً نیت همان عمل است». سپس آیه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكَلْتِهِ» را قرائت کردند و اضافه فرمودند: منظور از شاكلة، نیت است (عبدعلی‌بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۱۴).

من تسلطی یاری بخش قرار ده». خود عمل و بهتر از آن است. قرآن خیلی صریح به ما می‌گوید: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ؛<sup>۱۱</sup> آگاه باشید آیین پاک از آن خدا است». همچنین امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ؛<sup>۱۴</sup> پایداری بر عمل تا آنجا که خالص شود، سخت‌تر از خودِ عمل است».

### نیت در آینه روایات

خداوند می‌فرماید: من بهترین شریک هستم، اگر کسی را با من شریک قرار دادید، همه‌ی عمل برای او خواهد بود.<sup>۱۲</sup> خدای متعال غیرت دارد و نمی‌پذیرد انسان برای شخص دیگری کاری انجام دهد.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمودند: «تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ؛<sup>۱۳</sup> خالص گردانیدن عمل، سخت‌تر از خودِ عمل است». اینکه عمل صاف و خالص باشد، خیلی مهم‌تر از

### شاخص اخلاص

جناب ابوذر (رضوان‌الله‌علیه)، این صحابی خاص و بزرگ، از پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل کردند که حضرت فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً، وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيْقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحَمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ؛<sup>۱۵</sup> هر حقی را حقیقتی است و بنده به حقیقت اخلاص نرسد، مگر آنگاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می‌کند، تمجید و

۱۱ . زمزم: ۳.

۱۲ . کلیات حدیث قدسی (ترجمه الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه)، ص ۳۲۶.

۱۳ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۸۸.

۱۴ . کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶.

۱۵ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۴.

### ۳. محکم‌کاری

قاعده سوم عبارت است از احکام العمل یا اتقان العمل. کلمه‌ی اتقان در فارسی شناخته‌شده‌تر از کلمه‌ی احکام است. احکام یعنی محکم‌کاری در عمل و اتقان یعنی محکم و تمیز و درست انجام دادن کار. این ویژگی، مطلوب و محبوب خدای متعال است. پس مؤمن عمل صالحش باید متقن و محکم باشد. به همه‌ی اجزایش توجه داشته باشیم و چیزی را فروگذار نکنیم. ترکیب عمل ما مناسب باشد و به قول امروزی‌ها حلقه مفقوده نداشته باشد. این‌گونه نباشد که قسمتی را انجام دهیم و قسمت دیگر را رها کنیم. وظیفه‌ای را که به عهده گرفته و عهدی که بستیم، درست انجام دهیم و کم نگذاریم.

این قاعده از زبان پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این‌گونه نقل شده که حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى

ستایش شود». مؤمن به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، مگر اینکه اصلاً تمنایی نداشته باشد که دیگران بابت کاری که انجام داده، تحسین و تعریفش کنند. حتی وقتی تحسین و تعریف می‌کنند، منفعل می‌شود و البته این را از فضل خدای متعال می‌داند و باطناً به خدا پناه می‌برد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي خَيْرًا مِّمَّا يَظُنُّونَ، وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱۶</sup> خدایا ما را بهتر از آن کن که می‌پندارند و پیامرز از ما آنچه را که نمی‌دانند. خدایا، تو می‌دانی من چقدر وضعم خراب است. «لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ»<sup>۱۷</sup> آنچه می‌گویند بر من مگیر. به خاطر حرف‌های آنان، مرا مواخذه نکن.

۱۶ . نهج البلاغه، حکمت ۱۰۰.

۱۷ . همان، خطبه ۱۹۳.

نظارت کردند. نوبت به تشییع رسید. حضرت راه افتاد، درحالی که از شدت ناراحتی پابرنه بودند. وقتی قبر را کردند، حضرت خودشان داخل قبر رفتند و شروع کردند کار لحدچینی را انجام دادن. سنگ‌های لحد را خیلی محکم و درست و حسابی چید تا هیچ منفذی نداشته باشد. هنگامی که بالا آمدند، روی قبر را خیلی مرتب کرد. ظاهراً در ذهن همه این پرسش پیش آمد که این کارها چه معنایی دارد؟ بدن که می‌پوسد، پس این همه دقت و سنگ چیدن و لحد را مرتب کردن، چه کاری است؟ حضرت وقتی کارش تمام شد، خطاب به جماعت فرمود: «إِنِّي لِأَعْلَمُ أَنَّهُ سَبِيلِي وَ يَصِلُ إِلَيْهِ الْبَلَاءُ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ»<sup>۱۹</sup> من می‌دانم که به‌زودی این فرسوده و خراب می‌شود، اما خداوند بنده‌ای را

۱۹. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۴

يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدَكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَقَنَّهُ»<sup>۱۸</sup> به‌راستی که خداوند متعال، دوست می‌دارد که هریک از شما وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را استوار (محکم) گردانند. اصطلاحاً یعنی مو لای درزش نرود و نشود از آن اشکال گرفت.

### محکم کاری در سیره نبوی

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند که به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خبر فوت سعدبن معاذ را دادند. سعد از اصحاب گرامی پیغمبر بود و حضرت هم خیلی دوستش می‌داشتند. فعال و مجاهد در وسط میدان بود. پیغمبر وقتی شنید سعدبن معاذ از دنیا رفته، خیلی غمگین شد. در تشییع جنازه سعد، خودشان تشریف‌فرما شدند و در تمام مراحل در ایستادند و بر کار غسل و کفن

۱۸. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۹۱۲۸



تولید محصول، انجام دادن کار اداری و ... هر کاری که باشد، فرق نمی‌کند، باید کارتان را درجه‌یک، محکم، تمیز و درست انجام دهید.

### درس‌هایی از سیره نبوی در زمینه محکم‌کاری

روایتی که خواندیم، از چند جهت تکان‌دهنده است. نخست اینکه پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چقدر اصحابشان را احترام می‌کردند. ضمن اینکه نشان می‌دهد وقتی کسی از مؤمنین از دنیا می‌رود، در جریان رحلتش هم احترام و اکرامش مطلوبیت دارد. ماجرای تدفین و جمله فوق‌العاده‌ای که حضرت به صورت یک قاعده عمومی و کلی ارائه کردند نیز تکان‌دهنده است. حضرت در اینجا از کلمه‌ی اتقان استفاده کردند که واژه متقن را در فارسی هم به کار می‌بریم و بیشتر شناخته شده است تا کلمه‌ی إحکام.

دوست دارد که چون کاری انجام دهد، آن را درست انجام دهد». اینجا از قاعده ترقی استفاده می‌کنیم و می‌گوییم وقتی چیدن قبری که فرو خواهد ریخت و آسیب خواهد دید و از بین می‌رود، و پیکری که در آن زیر پوشیده خواهد شد، این محکم‌کاری‌ها را شخص اول عالم خلقت خودش انجام می‌دهد، پس دیگر تکلیف محکم‌کاری در سایر کارها روشن می‌شود. در تمام کارها، به‌ویژه وقتی پای حق الناس پیش می‌آید و فرآورده‌هایی که شما تولید می‌کنید، در اختیار مردم قرار می‌گیرد و با زندگی آنها گره می‌خورد، محکم‌کاری باید به بهترین شکل رعایت شود. در این صورت محصول شما عمل صالح محسوب می‌شود. چنانچه کالایی باشد که سال‌ها بتوانند از آن بهره‌مند شوند، پشت سر شما دعا می‌کنند.

می‌گیرد؟ به تعبیر امروزی استاندارد و ایزو می‌گیرد؟ در دستگاه الهی، تقوا و اخلاص و اتقان، سه شرطی است که به‌واسطه آن به عمل انسان نمره می‌دهند و پذیرش می‌شود و عمل حسن به احسن تبدیل می‌شود. این جلسه سه قاعده خدمت شما تقدیم کردیم و جلسه آینده سراغ قواعد دیگر می‌رویم.

خدای متعال را قسم می‌دهیم به حق اولیائش و به حق مقربان درگاهش، این چهار خواسته آغازین دعای مکارم‌الاخلاق را به همه‌ی ما و به همه‌ی دوستداران امام سجاد (علیه‌السلام) کرامت فرماید. خدای متعال را به حق و حقیقت آن حضرت قسم می‌دهیم این بیماری وحشی و این ویروس منحوس را از جامعه‌ی ما و جامعه بشریت دور بفرماید. کسانی را که مبتلا هستند، شفا عنایت کند و عزیزانی که فوت شدند، مشمول شفاعت سیدالشهدا (علیه‌السلام) قرار دهد.

گاهی دیده‌ایم که مثلاً ساختمانی را می‌سازند، ولی خیلی زود اتاق‌هایش نم می‌دهد و اشکالات فراوان دیگری دارد. در مقابل، بوده‌اند افرادی که خانه را محکم ساخته‌اند و ساکنین خانه، دائم برایشان دعا می‌کنند. البته کم‌کاری‌ها ربطی به اسلام ندارد. اگر کسی به‌واسطه کم‌کاری خود ضرری به دیگران بزند، فعل حرام مرتکب شده و می‌رود در باب حرمت که بحث قبلی ما است که باید حریم فرق‌ها را رعایت کرد. خداوند تبارک و تعالی دوست دارد کارهایتان، حتی کارهای شخصی‌تان را محکم و تمیز و درست و متقن انجام دهید، تا چه رسد کاری که محصولش به دست دیگران می‌رسد. هرچه کیفیت را ارتقا دهید، خدای متعال به همان اندازه شما را بیشتر دوست می‌دارد. چطور عمل انسان جایزه‌ی حُسن





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر